

خبر

بې اطلاعاتی ترامپ از تحرکات روسیه در افغانستان

● کاخ سفید اعلام کرد رئیس جمهوری آمریکا از اطلاعات ادعایی مبنی بر اینکه یک واحد اطلاعاتی روسیه برای کشتن نظامیان آمریکایی از طالبان در افغانستان کمک خواسته و برای این کار جایزه می‌داد، اطلاع نداشته است. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، کابلی مک انانی، سخنگوی کاخ سفید، شنبه در بیانه‌ای گفت: ایالات متحده روزانه هزاران گزارش اطلاعاتی دریافت می‌کند و آنها را مورد ارزیابی دقیق قرار می‌دهد. درحالی‌که کاخ سفید معمولاً درباره اطلاعات با ملاحظات داخلی اظهارنظر نمی‌کند، مدیر سیا، مشاور امنیت ملی و رئیس دفتر، همگی می‌توانند تأیید کنند که نه رئیس‌جمهوری آمریکا و نه معاون او از گزارشی درباره روسیه در افغانستان اطلاع نداشتند. در گزارش نیویورکتایمز نیز به اشتباه آمده است که رئیس‌جمهور ترامپ از این موضوع مطلع بوده است. روز جمعه روزنامه نیویورکتایمز در مطلبی به نقل از منابع دولتی نامشخص گزارش داد یک گزارش اطلاعاتی که مدعی است مسکو به شبه‌نظامیان مسلح در افغانستان پول می‌داد تا سربازان آمریکایی را ترسور کنند، به اطلاع ترامپ رسیده است. این روزنامه آمریکایی همچنین نوشت: ترامپ هنوز اقدامی درباره این گزارش نکرده است. روز شنبه دبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، با رد این گزارش‌ها گفت: هدف این شایعات کار شکنی در مسیر خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان است. این سخنگو تأکید کرد فعالیت‌های طالبان به هیچ نهاد اطلاعاتی یا کشور خارجی مرتبط نیست. یک نماینده وزارت خارجه روسیه نیز شنبه گفت این گزارش‌ها اخبار جعلی هستند و هدفشان تخریب روند صلح افغانستان است. به گفته این دیپلمات روس، این حقیقتی شناخته‌شده است که جامعه اطلاعاتی آمریکا، یک شبکه در آرمذزایی جایگزین حین حضور در افغانستان ایجاد کرده است و این شامل قاجاق مواد مخدر، تقاضای پول از شبه‌نظامیان برای عبور خودروها و لغو قراردادهای نظامی که پول آنها را مالیات‌دهندگان آمریکایی پرداخت کردند، می‌شود. بر اساس گزارش نیویورکتایمز، آمریکا چند ماه قبل به این نتیجه رسیده بود که این واحد اطلاعات ارتش روسیه که با «تلاش‌های ترور و سایر عملیات محرمانه در اروپا با هدف بی‌ثبات‌کردن غرب یا انتقام از خان‌ها» ارتباط داشته، سال گذشته میلادی به‌صورت محرمانه جایزه‌هایی را برای انجام حملات موفقیت‌آمیز پیشنهاد کرده بود. جو بایدن، نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری، گفت: اگر گزارش نیویورکتایمز صحت داشته باشد، نشانگر ایفاسازی واقعاً شوکه‌کننده‌ای است و به‌خصوص اینکه ترامپ از انجام اقدامات تلافی‌جویانه بازمانده است. او گفت: اگر رئیس‌جمهوری شوم، تردید نکنید با ولادیمیر پوتین برخورد می‌شود و ما بهای سنگین روی دست روسیه می‌گذاریم.

قطع‌نامه‌ای علیه‌الحاق کرانه‌باختری

● دولت ائتلافی آلمان پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای علیه پیوستن بخشی از کرانه باختری رود اردن به اسرائیل تهیه کرده است. به گزارش خبرگزاری آلمان، قرار است فردا در پارلمان آلمان (بوندستاگ) پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای که اتحاد احزاب مسیحی و حزب سوسیال‌دموکرات این کشور تهیه کرده‌اند، به رای گذاشته شود. در این سند آمده است که الحاق مناطق فلسطینی در کرانه باختری رود اردن به اسرائیل و گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین در این منطقه، «خلأ قوانین بین‌المللی» است. دولت آلمان در پیش‌نویس قطع‌نامه از اسرائیل خواسته است در تصمیم خود تجدیدنظر کند؛ زیرا چنین اقدامی، پیامدهای ناخوشایندی برای روند صلح خاورمیانه و ثبات منطقه‌ای خواهد داشت. انتظار می‌رود اسرائیل چهارشنبه نخستین گام اجرای طرح پیوستن حدود ۳۰ درصد از کرانه باختری رود اردن را بردارد. این طرح بر مبنای «عملنامه قرن» دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده تهیه شده است. این در حالی است که احزاب ائتلاف دولتی آلمان با هرگونه اقدامات تنبیهی علیه اسرائیل مخالف هستند. در پیش‌نویس قطع‌نامه آمده: دولت فدرال آلمان باید همه‌پیامانان خود در اتحادیه اروپا را متقاعد کند که بحث درباره تحریم‌های یک‌جانبه با تهدید به مجازات اسرائیل، هیچ تأثیر سازنده‌ای بر روند صلح یا تفاهم میان اسرائیل و فلسطینیان نخواهد داشت.



در روزهای اخیر آمریکا هم‌زمان با سه بحران مواجه بوده است: جهان‌گیری یک بیماری که برای بسیاری یادآور آنفلوآنزای اسپانیایی سال ۱۹۱۸ است، رکودی اقتصادی که به اندازه رکود سال ۱۹۲۹ جدی است و جنبشی اعتراضی که همه را یاد اتفاقات سال ۱۹۶۸ انداخته است؛ اما در همه این شرایط مشابه، آمریکا هیچ‌وقت رهبری مانند دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری فعلی این کشور، نداشته است.

وب‌سایت آسیاتایمز در گزارشی می‌نویسد که خاورمیانه و به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس آن به‌عنوان کشورهاییک به‌شدت از سیاست‌های ایالات متحده متأثر می‌شوند، باید به تحولاتی که ممکن است بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سوم نوامبر رخ دهد، دقت کنند. رئیس‌جمهوری بعدی این کشور چه از میان جمهوری‌خواهان محافظه‌کار و چه از میان دموکرات‌های لیبرال انتخاب شود، همان‌طور که تجربه چند دهه اخیر نشان داده، سرانجام این رهبران به میانه‌روی، روی می‌آورد. پیروزی هرکدام از آنها ممکن است برای مدتی همراهی هردو مجلس کنگره را به دنبال داشته باشد؛ اما دو سال بعد در انتخابات میان‌دوره‌ای، سازوکار روی‌کارآمده دوباره از سوی مردم ارزیابی می‌شود. چنین وضعیتی همواره رؤسای جمهور آمریکا را وادار کرده تا به‌دنبال مصالحه و اجماع باشند. این دقیقاً همان اتفاقی است که به‌هیچ‌وجه برای دونالد ترامپ و در دوره او رخ نداد. ترامپ نه‌تنها هرگز به مصالحه و اجماع اهمیت نداده بلکه با تکبر و خودبزرگ‌بینی‌اش آن را نابود کرده است. راست، چپ و میانه برای او هیچ معنایی ندارد. خودپسندی او و دشمن‌سازی از رقبا به تحسین و تشویق‌های فرقه‌ای دامن زده است؛ مسئله‌ای که باید برای انتهایی که در خاورمیانه زندگی می‌کنند، آشنا باشد. او خودش را رهبری «قدرتمند» به تصویر کشیده است، رهبری که می‌تواند هر کسی را به زانو درآورد. این ویژگی او در کنار دیگر خصوصیاتش این بار ما را به یاد تاریخ خاورمیانه و ظالمان و دیکتاتورهای آن می‌اندازد.

آیا میدان لافایت، «میدان التحریر» واشنگتن است؟ نه، قطعاً نه. حتی با تحلیل و نگاهی پرت هم نمی‌توان چنین نتیجه‌ای گرفت؛ اما وقایع میدان لافایت می‌تواند تبدیل به کابوسی شود که برای همیشه در یادها بماند. باوجوداین، حصارکشی اطراف کاخ سفید قطعاً یادآور کشورهایی است که از لحاظ سیاسی بی‌ثبات هستند و همه تلاش‌شان این است که از نمادهای اقتدارشان –رادیو و تلویزیون و کاخ رئیس‌کشور– محافظت کنند. اینجااست که باید به ترامپ یادآوری شود که چرا به محل اقامت رئیس‌جمهوری در آمریکا فقط می‌گویند «خانه» نه «کاخ». همه اینها یک تفاوت بین ترامپ و دیکتاتورها، ظالمان و خودکامه‌های شناخته‌شده و منفور خاورمیانه وجود دارد. ترامپ تبل است؛ دانش او شکننده و شرم‌آور است. او به‌طور کامل غرق جاه‌طلبی است و ماکس وبر را درحالی‌که صد سال از مرگش می‌گذرد، به اشتباه یک پروتستان می‌داند و از این اشتباهش هیچ حس خجالتی ندارد و این می‌تواند ترسناک‌ترین جنبه ریاست‌جمهوری او باشد. ترامپ ایده، ایدئولوژی و حس عدالت‌خواهی ندارد. ممکن است کسی وسوسه شود تا او را نیهیلیست فکری سیاسی آمریکا بداند. درهرصورت او حق‌تر از آن است که بفهمد این واژه یعنی چه و تبدیل‌تر از آن است که برای اینکه کاری کرده باشد، به یک ایدئولوژی نزدیک شود. اینکه ریاست‌جمهوری او بیشتر از چپ

به راست گرایش دارد، از انتخاب و ترجیح او ریشه نمی‌گیرد؛ بلکه به این دلیل است که راست‌گرایی بیشتر یادآور آنفلوآنزای اسپانیایی سال ۱۹۱۸ است، رکودی اقتصادی که به اندازه رکود سال ۱۹۲۹ جدی است و جنبشی اعتراضی که همه را یاد اتفاقات سال ۱۹۶۸ انداخته است؛ اما در همه این شرایط مشابه، آمریکا هیچ‌وقت رهبری مانند دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری فعلی این کشور، نداشته است. وب‌سایت آسیاتایمز در گزارشی می‌نویسد که خاورمیانه و به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس آن به‌عنوان کشورهاییک به‌شدت از سیاست‌های ایالات متحده متأثر می‌شوند، باید به تحولاتی که ممکن است بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سوم نوامبر رخ دهد، دقت کنند. رئیس‌جمهوری بعدی این کشور چه از میان جمهوری‌خواهان محافظه‌کار و چه از میان دموکرات‌های لیبرال انتخاب شود، همان‌طور که تجربه چند دهه اخیر نشان داده، سرانجام این رهبران به میانه‌روی، روی می‌آورد. پیروزی هرکدام از آنها ممکن است برای مدتی همراهی هردو مجلس کنگره را به دنبال داشته باشد؛ اما دو سال بعد در انتخابات میان‌دوره‌ای، سازوکار روی‌کارآمده دوباره از سوی مردم ارزیابی می‌شود. چنین وضعیتی همواره رؤسای جمهور صرف‌نظر از مبارزه در انتخاباتی دیگر تلاش می‌کنند تا میراثی از خود بر جا بگذارند. ترامپ که سه‌سال و نیم گذشته را صرف دوباره شوکه‌مندکردن آمریکا کرده است، نه‌تنها هیچ اثری از معنای «شوکه» بر جای نگذاشته بلکه نشانه‌ای از این رویکرد را حتی ابراز نکرده است.

در این ماه‌های باقی‌مانده ترامپ احتمالاً به همین روند خودمحرانانه خود ادامه می‌دهد. او ممکن است حتی از این تبیل‌تر شود و تمام انگیزه‌اش را حتی برای وانمودکردن به اینکه رهبر وانمیکاست، در دست بدهد. اینکه این ماجرا برای شهروندان آمریکا چه معنایی خواهد داشت، مشخص نیست؛ اما برای بقیه جهان باقی فردی بدون دکنترن آگاهانه در تیشبرد رویکرد استراتژیک بی‌ثباتی این هم

به‌عنوان یک ابرقدرت تنها، تصور بسیار ترسناکی است. در این نگرانی و وحشت آسیا و اروپا هر دو شریک‌اند؛ اما خاورمیانه که به‌شدت تحت تأثیر سیاست خارجی آمریکااست و تنها در یک دهه اخیر قربانی خشونت‌ها و جنگ‌های آن بوده، باید جدی‌تر از دیگران به گزینه‌های پیش‌رویش فکر کرد. ترامپ در مدت‌زمان حضورش در کاخ سفید توانسته راهبر مشخصی را درباره خاورمیانه و تحولات آن دنبال کند. اقدامات و سیاست بدون اصول دونالد ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری پیش‌بینی اهداف او را دشوار می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد استراتژی او در خاورمیانه بر دو اصل اساسی استوار است: نخست حمایت همه‌جانبه از اسرائیل و دوم فشار حداکثری بر ایران که البته این فشار را هم در راستای حمایت از تل‌آویو می‌توان تفسیر کرد. جفری آرونسون، کارشناس مسائل خاورمیانه، در گفت‌وگو با دویچه‌وله می‌گوید: «دولت ترامپ نخستین دستگاه دولتی آمریکا نیست که وضعی طرفدارانه دارد. آمریکا در بحران خاورمیانه همواره به‌نوعی نقش وکیل‌مدافع اسرائیل را ایفا کرده است». او با اشاره به تغییر این وضعیت، می‌افزاید: «دولت ترامپ

جهان

چرا جهان باید نگران پیروزی ترامپ باشد

راست، چپ و میانه برای رئیس‌جمهوری آمریکا معنایی ندارند دشمن‌سازی او از رقبا به تحسین‌های فرقه‌ای دامن زده است



ناکامی‌های سیاست صلح در خاورمیانه در دهه‌های اخیر را بررسی کرده و در نهایت تصمیم گرفته از همه استراتژی‌های جامعه بین‌المللی و هرگونه دیپلماسی خداحافظی کند.

درحال حاضر شرایط به‌گونه‌ای پیش رفته است که کشورهای قدرتمندی مانند عراق، سوریه، لیبی و مصر در شمال آفریقا به‌شدت بی‌ثبات و تضعیف شده‌اند و نه‌تنها توان بازیگری در فراسوی مرزهای خود را از دست داده‌اند بلکه تنها درگیر بی‌ثباتی‌های داخلی هستند. این‌گونه مسئله فلسطین در میان کشورهای مسلمان به حاشیه رانده شده و توازن قوا به‌شدت به نفع اسرائیل شده است.

یکجانبه‌گرایی، جنگ‌طلبی و انزواطلبی ترامپ وضعیت منطقه خاورمیانه را شکننده‌تر از پیش کرده است. واقعیت‌های جاری در منطقه، به‌سرعت خود را بر دولت ترامپ تحمیل کردند. آن‌گونه که ترامپ ادعا می‌کند، به دنبال جنگ نیست؛ اما اوضاع و احوال آن‌چنان شکننده و بی‌ثبات شده است که این احتمال وجود دارد که نتوان از وقوع جنگ اجتناب کرد.

رقابت‌بایدن و ترامپ درجهانی متفاوت

روزنامه نیویورکتایمز نیز در تحلیلی می‌نویسد بحران‌های کنونی، تنگنای اقتصادی ناشی از آن و اعتراضات علیه نژادپرستی، آمریکا را به چپ یا به راست سوق خواهد داد و سرانجام کشور در روز انتخابات کجا آرام خواهد گرفت. آندریا بنجامین، استاد مطالعات سیاسی در دانشگاه اوکلاهاما، می‌گوید: «اکثریت سفیدپوستان سرانجام به حقیقتی رسیدند که مردم سیاه‌پوست از دیرباز از آن آگاهی نداشتند: نژادپرستی سامان‌یافته، واقعی است؛ اما نژادپرستی بین‌فردی روزانه نیز واقعی‌تر و بسیار دردناک‌تر است». او باور دارد که اعتراضات آگاهی می‌آورد و امکان تغییری واقعی وجود دارد. تغییر افکار خوب است؛ اما برای تغییر شرایط زندگی سیاهان باید منظر عمل و اقدام واقعی بود و درباره آماده‌بودن آمریکایی‌ها برای این تغییر، خوش‌بینی کمتری وجود دارد.

استغان انسولابهیر، استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد، نیز می‌گوید: «از سال ۲۰۱۴ چرخش چشمگیری به‌سوی لیبرالیسم رخ داده است؛ اما کشور هنوز خود را بیشتر راست‌گرا یا محافظه‌کار می‌داند تا لیبرال». او با اشاره به اینکه جمهوری‌خواهان ستنی با موضع سختگیرانه علیه قتل جورج فلوید به دست پلیس، پشتیبانی شمار چشمگیری از رای‌دهندگان مناطق حومه را به دست آورده‌اند، تأکید می‌کند؛ اما نباید فراموش کرد که آخرین تجربه مشابه، تحولات لس‌آنجلس در ۱۹۹۲ میلادی بود که سرانجام با پیروزی دموکرات‌ها به پایان رسید.

شافرنر همچنین به یافته‌هایی اشاره می‌کند که در ۲۰۱۶ میلادی انکار وجود برتری سفیدپوستان، ارتباط عمیقی با رای‌دادن به ترامپ داشت و حتی یک عامل قدرتمند برای پیش‌بینی چرخش از رای‌دادن به اوباما در ۲۰۱۲ به پشتیبانی از ترامپ در ۲۰۱۶ بود. پذیرش یا انکار نژادپرستی در گزینه‌های انتخاباتی رقابت کنه در ۲۰۱۸ میلادی نیز یک عامل پیشگویی‌کننده بود. در ۲۰۱۶ میلادی، ۴۳ درصد از سفیدپوستان بزرگسال در آمریکا وجود برتری سفیدپوستان در ایالات متحده را قبول داشتند. در نظرسنجی ۲۰۲۰ میلادی

این رقم به ۵۷ درصد رسید؛ اما شافرنر تأکید دارد که برای خوش‌بینی در این زمینه باید با احتیاط عمل کرد؛ چراکه معلوم نیست این پذیرش با پایان‌یافتن اعتراضات، همچنان ادامه داشته باشد. باین‌حال کارشناسان علوم سیاسی ازجمله مگان مینک فرانسیس و جیک گرومبا از دانشگاه واشنگتن باور دارند که این تغییر رفتار و گرایش، به‌ویژه میان جوانان سفیدپوست، ماندگار بوده و پیامدهای چشمگیری برای انتخابات و سیاست‌سازی‌های آینده خواهد داشت. آنتیش انتتا، از دانشگاه ماساچوست نیز می‌گوید نوعی حرکت به‌سوی سیاهان و دورشدن از حوزه‌های انتخاباتی محافظه‌کاران به وجود آمده است و شاهدیم که چگونه کنشگری جنبش اجتماعی و افکار عمومی اکنون پیشران رفتار نخبگان محافظه‌کار شده است. دنیل کیو، کیلیون، استاد دانشگاه پنسیلوانیا و نویسنده کتاب «قدرت سیاسی اعتراض»، باور دارد که آمریکا از ۲۰۱۶ میلادی چپ‌گرا شده و نه‌فقط اعتراضات علیه قتل جورج فلوید بلکه گروهی از اعتراضات، در این روند نقشی کلیدی داشته‌اند.

اما کریستوفر سیاستین پارکر، استاد دانشگاه واشنگتن، معتقد است که فقط بحران کوید۱۹ و قتل جورج فلوید عامل تشدید چپ‌گرایی در آمریکا نیست بلکه بازیگر کلیدی و پیشران اصلی جنبش چپ‌گرا، شخص ترامپ است. رئیس‌جمهوری که هر کاری می‌کند تا به آتش بحران دامن بزند و ازاین‌رو بروز پیامدها دور از ذهن نیست. با انتخاب ترامپ، آمریکایی‌های آسیایی‌تبار و لاتین‌تبار بیش از هر زمان دیگری به جامعه سیاه‌پوستان نزدیک شده‌اند.

جو تریبی که یکی از مشاوران حزب دموکرات است، درعین‌حال تأکید می‌کند هرچه رنج و آسیب ما از کرونا، بی‌کاری و اعتراضات بیشتر می‌شود، شاهد آشوب و هرج‌ومرج بیشتری هستیم. اگر ترامپ نماد آشوب و بایدن نماد اجتماع و یکپارچگی است، کشور کدام را انتخاب خواهد کرد؟ من باور دارم که شمار فراوانی از زنان جمهوری‌خواه، جوانان جمهوری‌خواه و تحصیل‌کردگان جمهوری‌خواه در مناطق حومه، بایدن و یکپارچگی را انتخاب خواهند کرد؛ چراکه آنان از آشوب و هرج‌ومرج فرسوده و کلافه شده‌اند.

رفتار محتاطانه دموکرات‌ها

با همه این اوصاف دموکرات‌ها بسیار محتاطانه در حال رصد اتفاقات هستند. چهار سال پیش ابتدا به نظر می‌رسید که هیلاری کلینتون، رقیب آن زمان ترامپ در انتخابات، با اختلاف بالایی در سطح آمریکا و در ایالت‌های میشیگان، ویسکانسین و پنسیلوانیا (ایالت‌هایی که به پیروزی نهایی ترامپ کمک کردند) پیروز است؛ اما در هفته‌های پایانی قبل از انتخابات، جمهوری‌خواهان بر سر حمایت از ترامپ توافق کردند و این منجر به پیروزی او شد. ترامپ در سال جاری هم به دنبال تکرار این تجربه است. او به دنبال آغاز نبردی در حوزه‌های بهداشت و درمان و روابط نژادی است. ترامپ بعد از هشدار درباره امکان وقوع تقلب در انتخابات ۲۰۱۶ علیه خودش، بدون ارائه هرگونه سند و مدرکی عنوان کرد کمپین انتخاباتی پاییز سال جاری منجر به فاسدترین انتخابات تاریخ می‌شود. ترامپ و بسیاری از جمهوری‌خواهان مشغول سرکوب طرح رای‌گیری غیابی هستند که به گفته آنها دست بالاتر را به دموکرات‌ها می‌دهد؛ هرچند سند و مدرکی در حمایت از آن ارائه نکرده‌اند. بسیاری از جمهوری‌خواهان بی‌روصدا درباره وضعیت بدبین هستند اما برخی دیگر نیز از بابت همان عواملی که دموکرات‌ها را نگران کرده، دلخوش هستند.

در حوالی میدان سرخ

نگاهی به جزئیات همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی روسیه



● اوایل سال نو میلادی و در آستانه بیستمین سالروز به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در روسیه، او در پاسخ به خبرنگار تاس تأکید کرد «تزار» نیست و اتفاقاً هر روز مشغول کار است؛ چراکه به اعتقاد او، این عنوان سزاوار فردی است که بر صندلی قدرت تکیه می‌زند و از بالا به مردم نگاه می‌کند و درحالی‌که او خودش را در آینه می‌بیند و با کلاه خوش روی‌رود، دستور می‌دهد و مردم ملزم به فرمانبرداری از او هستند.

این روزها که در روسیه همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی در جریان است، به نظر می‌رسد بسیاری از رسانه‌های خارجی تنها اصلاح ماده ۸۱ از زینر ذره‌بین قرار داده‌اند و از یک سو به تحلیل ساختار قدرت کرملین می‌پردازند و از سوی دیگر به اقبال شهروندان روسیه؛ اما واقعیت این است که این اصلاحات ابعاد بسیار وسیعی دارد و باقی‌ماندن پوتین بر مدار قدرت، تنها بخشی از این ماجراست.

طبیعتاً مردم هیچ کشوری علاقه ندارند فردی سال‌های سال بر صدر قدرت تکیه بزند و مردمان روسیه نیز از این موضوع منتنا نیستند؛ اما از سوی دیگر آنها واهمه برهم‌خوردن اقتدار و نظم روسیه پس از بوریس یلتسین را نیز دارند. موضوعی که خود پوتین نیز در همان ابتدا که بحث اصلاح ماده ۸۱ از سوی دوما مطرح شد، اعلام کرد «من می‌دانم در جامعه ما این بحث وجود دارد که یک شخص نباید بیش از زمان مشخصی رئیس‌جمهور باشد، من هم موافقم؛ اما نه در این لحظه؛ چراکه شما می‌دانید چه مشکلاتی بین سطوح دولت به وجود خواهد آمد».

قانون اساسی روسیه در سال ۱۹۹۳ یعنی در زمان یلتسین تدوین شد؛ یک بار در سال ۲۰۰۸ اصلاحاتی بسیار جزئی در آن شکل گرفت که به موجب آن، مدت زمان ریاست‌جمهوری از چهار سال به شش سال و پارلمان از چهار سال به پنج سال تغییر کرد. بار دیگر نیز اصلاحات بسیار اندکی در سال ۲۰۱۴ انجام شد که به موجب آن، تغییر کوچکی در افزایش اختیارات رئیس‌جمهور شکل گرفت؛ اما همواره میان این سال‌ها و به‌ویژه در کنفرانس‌های مطبوعاتی سالانه پوتین، این مطالبه مطرح می‌شد که مواد قانون اساسی روسیه چه زمانی بازنگری خواهد شد. ازاین‌رو نفس اصلاح قانون اساسی مورد اقبال مردم این کشور قرار دارد.

مفاد اصلاحات قانون اساسی روسیه

● زبان روسی به موجب اصلاح ماده ۶۸ قانون اساسی، جمهوری‌هایی که جزئی از روسیه به‌شمار می‌آیند، این حق را دارند که زبان بومی خویش را در مدارس تدریس کنند و همچنین آن را در اسناد داخلی خود به کار بگیرند؛ البته زبان رسمی در تمامی مناطق این کشور، همچنان زبان روسی است. ● به موجب اصلاح ماده ۷۲ تأکید شده سنت، زیربنای قانون اساسی در روسیه باشد و بر حمایت از جایگاه خانواده، مقام مادر و پدر تأکید شده و در همین خصوص ازدواج همجنس‌گراها ممنوع شده است. ● – به موجب اصلاح ماده ۷۹، روسیه اگرچه همواره در سازمان‌های بین‌المللی حضوری فعال دارد، در صورتی‌که مواردی با قانون اساسی مغایر باشد، ملأک قانونی اساسی روسیه خواهد بود و اجازه داده نمی‌شود که بیگانگان به روسیه حکم کنند.

● به موجب اصلاح مواد ۷۷، ۷۸، ۹۵، ۹۷ و ۱۱۰ نمایندگان مجلس دوما، سنا و همچنین هیئت دولت نمی‌توانند دوتابعیتی باشند. به اعتقاد نمایندگان دوما، همان‌طور که در کتاب مقدس (انجیل) نیز مشخص شده، خدمت به دو ارباب غیرممکن است. ● در ماده ۶۷ که در رابطه با قلمرو روسیه است نیز اصلاحاتی انجام شده تا روسیه نتواند حتی یک اینچ از خاک این کشور را واگذارد کند و این مهم شامل سرزمین‌های الحاقی نیز می‌شود و به نظر می‌رسد به‌طور مشخص رویکرد روسیه در قبال کریمه را مشخص می‌کند. ● پیش از این در ماده ۶۹ که اشاره به هویت فرهنگی دارد، آورده شده بود شورای فدراسیون موظف است حقوق تمامی مردم بومی کم‌جمعیت را ضمانت کند؛ در اصلاحیه جدید، این قانون شامل روس‌هایی که خارج از کشور هستند نیز می‌شود.

● در اصلاحیه بند ۸۳، توزیع قدرت مورد بازبینی قرار گرفته و به موجب آن از اختیارات رئیس‌جمهور کاسته و به اختیارات مجلس دوما و شورای فدراسیون در انتصابات افزوده شده است.

● مهم‌ترین موضوع و شاید بهتر است بگوییم تنها بخشی که در اصلاحات قانون اساسی روسیه مرکز توجه رسانه‌های خارجی قرار گرفت، اصلاحیه ماده ۸۱ است که در پی آن کنترت ریاست‌جمهوری پوتین صفر و به او اجازه داده می‌شود برای دو دوره متوالی دیگر نیز نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شود. نظرسنجی‌ها پیش از آغاز همه‌پرسی نشان می‌داد ۶۷ درصد مردم در این نظرسنجی شرکت خواهند کرد و آمارها گویای این است که در روز ابتدایی حدود ۲۰ درصد افراد شرکت کردند. هفته آینده در ستون «در حوالی میدان سرخ» به بررسی نتایج انتخابات، میزان مشارکت و ابعاد بیشتری از اصلاحات قانون اساسی خواهیم پرداخت.

شرکت ملی نفت ایران شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران (انجمنی صان)

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد ۱۰۰۰۰ عدد لامپ ال ای دی ۲۵ وات مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا مناقصه‌گران می‌توانند با رعایت نکات درج شده در سایت‌های HTTP://IETS.MPORG.IR (پایگاه ملی مناقصات) و پرتال شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران- بخش مزایده و مناقصات(gsopec.nioc.ir) نسبت به دریافت و تکمیل اسناد ارزیابی کیفی، مطابق برنامه زمان‌بندی شده ذیل اقدام و مدارک مربوطه را به آدرس گچساران- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز- دبیرخانه کمیسیون مناقصات- اتاق ۲۳ ارائه نمایند.

آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: ۹۹/۵/۰۸

تاریخ کنایش پاکات ارزیابی کیفی: ۹۹/۵/۱۲

لازم به ذکر است برنامه زمان‌بندی و تحویل اسناد مناقصه پس از ارزیابی کیفی برای شرکت‌هایی که حداقل نمره اعلام شده را کسب نمایند طی دعوت‌نامه اطلاع‌رسانی خواهد شد. در ضمن ارائه تصویر برابر با آخرین تغییرات اصحاب امضاء مجاز درج شده در روزنامه رسمی الزامی بوده و امکان ارائه ٪۲۵ پشی پرداخت مقدور نمی‌باشد. طبق قانون حمایت از تولیدکنندگان داخلی، در صورت وجود سازندگان/تولیدکنندگان داخلی، مشروط به تأیید فنی کالای پیشنهادی اولویت خرید با آنها بوده و مناقصه‌گران الزماً می‌بایست نسبت به تکمیل اطلاعات اسناد ارزیابی کیفی در خصوص معرفی سازنده کالا(داخلی / خارجی) اقدام نمایند. در غیر اینصورت مناقصه‌گزار مختار به رد مناقصه گر تاز روند مناقصه خواهد بود.

تاریخ چاپ:نوبت اول:۹۹/۴/۰۹ و نوبت دوم ۹۹/۴/۰۹

شرق